



ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

جابر عبدالله انصاری صحابی پیامبر

حوزه احکام فقهی صاحب رأی بوده و فتوا می داده است (ابن قیم جوزیه، ج ۱، ص ۱۲)

جابر در مسجد نبوی حلقه درس داشت و حدیث املا می کرد و شماری از تابعین از وی علم می آموختند و حدیث او را می نوشتند (ابن عساکر، ج ۱۱، ص ۲۳۳) از امامان شیعه، امام باقر و نیز امام صادق و امام کاظم به نقل از امام باقر (علیهم السلام) چند حدیث نبوی از جابر بن عبدالله نقل کرده اند (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۷، ج ۲، ص ۷۴)

جابر از پیامبر اکرم شنیده بود که تو چندان عمر می کنی که فرزندی از ذریه من و همنام من را ملاقات می کنی، او شگافنده علم است، پس سلام مرا به او برسان (مفید، ج ۲، ص ۱۵۹). هنگامی که امام باقر (ع) را یافت و سخن پیامبر را یادآور شد، کودک را بوسید و سلام پیامبر را به او رساند. (ابن عساکر، ج ۵۴، ص ۲۷۵-۲۷۶)

عطیه عوفی می گوید: همراه با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) حرکت کردیم؛ وقتی به کربلا رسیدیم، جابر وارد رودخانه فرات شد و غسل کرد؛ آنگاه لنگی بر کمر بست و حوله ای بر دوش انداخت و سپس خود را خوشبو نمود و به سمت قبر امام حسین (ع) حرکت کرد. به هنگام حرکت همواره ذکر می گفت، تا آنکه به قبر نزدیک شدیم. در آن هنگام به من گفت: دستم را روی قبر

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: مؤمن پنج نشانه دارد، اقامه پنجاه رکعت نماز (مجموع واجبات و مستحبات)، خواندن زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن و بسم الله الرحمن الرحیم را (در نماز) بلند گفتن.

جابر بن عبدالله انصاری به همراه شاگردش عطیه عوفی نخستین زائران حرم امام حسین (ع) بودند که پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری از مدینه رهسپار عراق شدند و روز بیستم صفر به کربلا رسیدند. بر آن شدیم یادی از این عالم برجسته و صحابی رسول الله که تا امام پنجم را درک کرده، نماییم.

جابر بن عبدالله انصاری از صحابه رسول خداو یاران با وفای اهل بیت (علیهم السلام) است. پدرش عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری از پیشگامان دعوت پیامبر برای هجرت به مدینه است. عبدالله بن عمرو در بیعت عقبه حضور داشت. در جنگ بدر و احد نیز در رکاب رسول خدا شرکت جست و در جنگ احد به شهادت رسید. (الاصابه فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۱۶۲)

وی از یاران برجسته رسول خدا (ص) بود. و در هیجده غزوه همراه پیامبر حضور داشت و در جنگ صفین نیز در رکاب علی (ع) بود. او در اواخر عمر نابینا شد و در سال ۷۴ یا ۷۷ هجری در سن ۹۴ سالگی وفات یافت. (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۷) جابر از آن گروه صحابه ای است که احادیث فراوانی از پیامبر اکرم نقل کرده است؛ از این رو، او را حافظ سنت نبوی و مؤکثر در حدیث خوانده اند (ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۱۲۷). در منابع روایی و سیره و تاریخ، به روایات جابر استناد بسیار شده و روایات وی مورد توجه مذاهب اسلامی بوده است. جابر در



آنکه از آن گروه صحابه ای است که احادیث فراوانی از پیامبر اکرم نقل کرده است؛ از این رو، او را حافظ سنت نبوی و مؤکثر در حدیث خوانده اند (ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۱۲۷). در منابع روایی و سیره و تاریخ، به روایات جابر استناد بسیار شده و روایات وی مورد توجه مذاهب اسلامی بوده است. جابر در



روود جابر صحابی بزرگ پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به کربلا در اربعین حسینی برای زیارت قبر پاک آن حضرت و سایر شهدای راه خدا، در واقع این هدف را دنبال می کرد که سدّ خفقان را بشکند و راه را برای زائران حسینی بگشاید تا با زیارت پرشورشان پرچم عاشورا را در کربلا برافرازند و خاطره شهیدان را همواره زنده نگه دارند و مبارزه دامنه داری را از این طریق بر ضدّ دشمن آغاز کنند. اضافه بر این، زیارت این صحابی بزرگ، درسی است برای افرادی که از زیارت قبور اولیاءالله به خاطر عدم درک حقیقت تعلیمات اسلام، ممانعت به عمل می آورند. مطابق نقل سید بن طاووس کاروان اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا با جابر و یارانش ملاقات کردند و با گریه و ناله و زاری به استقبال یکدیگر شتافتند و چند روزی را در کربلا به اقامه عزا پرداختند. مقرر در مقتل خود این واقعه را چنین بیان می کند که: پس از سه روز عزاداری، امام سجاد (علیه السلام) چاره ای جز این ندید که دستور حرکت از کربلا را به سوی مدینه صادر نماید، چرا که می دید عمه هایش و زنان و کودکان، شب و روز آرام و قرار ندارند و به نوحه و گریه می پردازند. از کنار قبری برمی خیزند و در جوار قبری دیگر می نشینند (خوف آن بود که آنجا جان خود را از دست دهند). (مقتل الحسین مقرر، ص ۳۷۳) کاروان به سوی مدینه روانه شد در آن حال جناب امّ کلثوم (ع) اشعار جانسوزی را خطاب به مدینه خواند (که چند بیت از آن چنین است):

«مَدِينَةَ جَدْنَا لَا تَقْبَلِينَا *** فَبِالْحَسْرَاتِ وَالْأَحْزَانِ جُنَا
خَرَجْنَا مِنْكَ يَا أَهْلِيْنَ جَمْعًا *** رَجَعْنَا لِأَرْجَالِ وَلَا بَنِينَا
وَرَهْطِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَضْحُوا *** عَرَايَا بِالْطُفُوفِ مُسْلَبِينَا
أَفَاطِلُهُمْ لَوْ نَظَرْتُ إِلَى السَّبَايَا *** بَنَاتِكَ فِي الْبِلَادِ مَشْتَبِينَا
فَلَوْ دَامَتْ حَيَاتُكَ لَمْ تَرَالِي *** إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ تَدْبِينَا
أَلَا يَا جَدْنَا قَتَلُوا حُسَيْنًا *** وَلَمْ يَزْعُوا جَنَابَ اللَّهِ فِينَا
لَقَدْ هَتَكُوا النِّسَاءَ وَحَمَلُوهَا *** عَلَى الْأَقْتَابِ قَهْرًا أَجْمَعِينَا»

(ای مدینه جدّ ما، میپذیر ما را، چرا که با حسرت و حزن به سویت آمده ایم! از نزد تو با همه خویشاوندان بیرون رفتیم، ولی اکنون بدون مردان و فرزندان بازگشتیم! ای رسول خدا! خاندان قربانی شدند و بدنهایشان در صحرای گرم کربلا عریان شد و (اموالشان) غارت شد.

ای فاطمه! اگر به دختران اسیرت که در شهرها پراکنده شدند نگاه می کردی؛ و زندگی ات در دنیا جاویدان بود، پیوسته تا قیامت ناله می کردی!
ای جدّ ما! حسین را کشتند و حرمت الهی را درباره ما رعایت نکردند.
به زنان بی احترامی نمودند و به زور آنها را بر شتران تندخو سوار کردند.
(بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۷)

* برای مطالعه بیشتر به سایتهای آیت الله العظمی مکارم شیرازی و ویکی شیعه مراجعه شود.

بگذار. هنگامی که دستش را روی قبر گذاشتم، جابر بیهوش بر روی قبر افتاد. من آب به صورت جابر پاشیدم تا به هوش آمد. آنگاه سه بار صدازد «یا حسین» و ادامه داد: آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی دهد؟! سپس با خودش گفت: «چگونه پاسخت را بدهد، در حالی که میان خون آغشته شده و بین بدن و سرش جدایی افتاده است؟»

سپس افزود: گواهی می دهم که تو فرزند بهترین پیامبران و فرزند سرور مومنان و فرزند هم پیمان تقوا از سلاله هدایتی. تو پنجمین فرد از اصحاب کسایی، و فرزند بزرگ نقیبان و فرزند فاطمه ای که بانوی همه زنان است. چرا چنین نباشد! (و این همه شرافت و بزرگی نداشته باشی) در حالی که بزرگ پیامبران با دست خویش به تو غذا داد و در دامن پرهیزکاران پرورش یافتی و از سینه ایمان شیر نوشیدی و با اعتقاد به اسلام از شیر باز گرفته شدی؛ تو پاک زیستی و پاک از دنیا رفتی، جز آنکه دل های مومنان از فراق آسوده نیست در حالی که شک ندارند جایگاه بلندی برای توست؛ پس سلام و رضوان الهی بر تو باد. و گواهی می دهم که تو بر همان طریقی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا رفت و در دفاع از حقّ به شهادت رسید.

آنگاه چشمش را (مانند یک انسان بینا) به اطراف قبر گردانید و (و خطاب به سایر شهیدان) گفت: درود بر شما ای ارواحی که بر آستان حسین فرود آمده، و در کنارش آرام گرفتید؛ گواهی می دهم که شما نماز را بر پا داشتید و زکات را ادا کردید، امر به معروف و نهی از منکر نمودید و با ملحدان و بی دینان پیکار کردید و تا هنگام مرگ خدا را عبادت نمودید. آنگاه افزود: سوگند به خدای که محمد را به حق برای پیامبری برانگیخت، ما با شما شهیدان در راهی که وارد شده اید،



شریکیم! «عطیه» که این سخن را شنید، با شگفتی پرسید: «چگونه ما شریک (رزم و شهادت) آنها هستیم، با آن که (برای یاری حسین (ع)) نه فراز و نشیبی را پیمودیم و نه شمشیری زدیم، درحالی که اینان، میان سرها و بدن هایشان جدایی افتاد (و به شهادت رسیدند) و فرزندانشان یتیم شدند و زنانشان بی شوهر؟»

جابر پاسخ داد: ای عطیه! از حبیبم رسول خدا شنیدم که می فرمود: «هر کس عمل گروهی را دوست داشته باشد در قیامت آنان محشور خواهد شد و هر کس عمل گروهی را دوست داشته باشد، در عمل آنها شریک است.» سوگند به خدایی که محمد را به حق برای رسالت برانگیخت، ولی نیت و خواسته من و یارانم، بر همان مسیری است که حسین (علیه السلام) و یارانش پیموده اند. (بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۳۰، ح ۶۲)



گفتگو با شخصیت های دینی آفریقا (۲)

ارتباط عربستان با صهیونیست ها مایه ننگ اسلام است

شیوخ وهابی که به عربستان می روند و پول می گیرند و افکار خود را میان مردم منتشر می کنند و مردم هم از روی سادگی از آنها پیروی می کنند. - وظیفه ما در این روزگار در مقابله با این تبلیغات گمراه کننده چیست؟ مشکلات زیادی وجود دارد. بیشتر مردم در مالاوی انسان های ساده ای هستند و همین باعث می شود از افکاری که وهابی ها مطرح می کنند پیروی کنند و به نظرم اگر کشوری مانند ایران بتواند در جهت نشر اسلام صحیح کمک کند به نظرم مفید خواهد بود.

- مردم از ارتباط میان جریان های تکفیری و اندیشه وهابی اطلاع دارند؟ نه مردم چیزی نمی دانند. در آنجا شیوخی وجود ندارد که به مردم اسلام صحیح را بیاموزند و خوب است که روحانوی از ایران و عراق و لبنان به آنجا بیایند و به مردم آموزش بدهند.

- آیا زمینه برای این تبلیغ وجود دارد؟ بله وجود دارد.

- ایران را در این روزها چگونه دیدید؟ ایران را کشوری پیشرفته دیدم که مردم خوب و مسلمانی دارد و من در اینجا نکات جدیدی درباره مذهب شیعه و مبانی آن یاد گرفتم.

گفتگو با استاد مرکز اسلامی اهل بیت (ع) - خودتان را معرفی کنید

عبدالرشید شعبی از جمهوری مالاوی و از اساتید مرکز اسلامی اهل بیت (ع) در مالاوی هستیم که به همراه شیخ سعد مگانگا به ایران آمده ام. ایشان هم به نمایندگی از مفتی مالاوی به ایران آمده است، بنده هم دوست و همراه ایشان هستم که در این سفر با ایشان همفکری می کنم، زیرا ایشان اطلاعات کمی درباره اهل بیت علیهم السلام دارد و از آنجا که مردم ایران از پیروان اهل بیت (ع)

چندی پیش گروهی از علما و شخصیت های دینی آفریقا ضمن سفر به جمهوری اسلامی ایران و ملاقات با چهره های دینی و مراکز اسلامی کشور در نشست های تخصصی شرکت کردند و علاوه بر این از نزدیک با وضعیت اهل سنت ایران و فعالیت های آنها آشنا شدند. این شخصیت های دینی به بیان وضعیت مسلمانان کشور خود و نظریات خود در مورد مسائل مهم جهان اسلام پرداختند و فصل مشترک سخنان آنها نه بزرگ به تکفیر بود. در این قسمت با دو شخصیت علمایی مالاوی تقدیم می شود:

گفتگو با نماینده مفتی مالاوی

در ابتدا خودتان را برای ما معرفی کنید

سعد مگانگا از مالاوی، کارمند دولت هستم و در دفتر عباس قاسم مفتی مالاوی مشغول فعالیت هستم. ایشان از آنجا که سالخورده است نمی تواند از مالاوی خارج شود و از این رو از من خواستند به نمایندگی از گفتگو با شخصیت های دینی آفریقا طرف ایشان به همراه برادرم عبدالرشید شعبی به ایران بیایم. اسلام در مالاوی خوب است اما نیاز به اصلاح دارد، زیرا وهابی ها تلاش می کنند میان مسلمانان تفرقه ایجاد کنند. آنها هر چیزی را بدعت می دانند و رفتار و اندیشه آنها باعث می شود مردم مسلمان به جان هم بیفتند و با هم درگیر شوند و برخورد با آنها نیازمند قدرت و اتحاد است، چون متاسفانه فکر وهابی به سرعت منتشر می شود و این نشان می دهد آنها کار می کنند و از این رو ما هم باید کار و تلاش کنیم و با هم متحد باشیم تا مسلمانان متحد شوند. وهابی ها پول و قدرت دارند و ما می ترسیم مسلمانان مالاوی را فریب دهند. مسلمانان مالاوی مردمی ساده هستند که اطلاعات زیادی ندارند و هر کس به آنها چیزی بگوید و بگوید فلان کار بدعت است گمان می کنند او درست می گوید و باور می کنند. - چه کسی از این تبلیغات وهابی ها حمایت می کند؟



منتشر کند، زیرا امروز برخی افراطی های مورد حمایت غرب و صهیونیسم می خواهند اسلام را تخریب کنند.

- امروز می بینیم برخی ارتباطات میان مسئولان عربستان و صهیونیست ها عیان شده است. ارزیابی شما از این مسئله چیست؟

ارتباط مسئولان عربستان با صهیونیست ها برای اسلام خطرناک است، زیرا امروز عربستانی ها خود را نماینده و متولی اسلام معرفی می کنند، اما در عین حال افکاری را منتشر می کنند که افراطی و نادرست است و جنایاتی را انجام می دهند که شبیه جنایت های یهودیان است و در همین حال می بینیم همین مدعیان اسلام، به مسلمانان حمله می کنند و سر از تن آنها جدا می کنند و مخالفان خود را تکفیر می کنند و این کار خوب نیست.

سالها پیش رژیم صهیونیستی هیچ موجودیتی نداشت، تا اینکه این صهیونیستها از کشورهای دیگر به فلسطین آمدند و زمین ها را غصب کردند تا اینکه ادعای تشکیل سرزمینی به نام خود را مطرح کردند و پس از آن به عربستان و حاکمان آن کمک های مالی کردند تا آنها را تایید کنند و از سوی دیگر میان مسلمانان هم دودستگی و اضطراب ایجاد کنند و مسلمانان را به جان هم بیندازند و اکنون هم مسئولان عربستان از آمریکا و اروپا کمک تسلیحاتی دریافت می کنند و با آن به مسلمانان سوریه و یمن حمله می کنند و بدین ترتیب مسلمانان به جان هم افتاده اند و این اتفاق خوبی نیست و از این رو تعامل مسئولان عربستان با صهیونیست ها مایه ننگ اسلام است و لازم است ما مسلمانان هوشیار و با بصیرت باشیم تا بتوانیم با چنین اقدامات ناشایستی مقابله کنیم.

هستند، شیخ سعد به خاطر اینکه بنده اطلاعات بیشتری درباره اهل بیت(ع) دارم از من خواست وی را در این سفر همراهی کنم تا در برخی موارد با من مشورت کند. - چند روز است که در ایران هستید؟

اکنون چهارمین روز است که در ایران هستیم و سفر ما هفت روز خواهد بود. - اولین سفر شما به ایران است؟

بله اولین بار است. من در جمهوری مالاوی درس خوانده ام و زبان عربی را هم در مالاوی از استاد خود یاد گرفته ام و اولین بار است از مالاوی به کشور خارجی سفر می کنم و الحمد لله زیر نظر اساتید و شیوخ خود که به در مالاوی حضور دارند به مذهب تشیع مشرف شدم و اکنون بیست سال است که به طلاب درس می دهم و برخی شاگردان خردسال من هم اکنون در قم درس می خوانند و گمان می کنم امسال فقط ۱۸ طلبه را برای تحصیل به قم اعزام کرده ایم که همه از طلاب من هستند و اینجا درس می خوانند.

در مورد شیعیان مالاوی باید بگویم که تعداد ما در مقابل اهل سنت کم است. جمعیت مالاوی تقریباً ۱۷ میلیون است که حدود یک چهارم این جمعیت شیعه هستند و باقی آنها اهل سنت هستند و برخی از این اهل سنت نیز پیرو محمد بن عبدالوهاب شده اند که توحید جدیدی دارد و متأسفانه برخی مسلمانان پاکستان و عربستان از او پیروی می کنند و صفوف مسلمانان را متشتت و پراکنده کرده اند که مایه تأسف است، اما به یاری خداوند متعال و برکت پیامبر، رفته رفته مردم دارند با این فرقه آشنا می شوند و پی می برند که وجود وهابی ها خطری جدی برای مسلمانان است.

امروز کار برخی از وهابی ها به جایی رسیده که خواندن دعا پس از نماز را تحریم می کنند و می گویند پیامبر(ص) چنین کاری نکرده و برخی از آنها هم می گویند اعیان شب قدر در ماه رمضان، بدعت و حرام است و چنین مذهب و نظریاتی خوب نیست. آنها علاوه بر این تمام مخالفان خود را تکفیر می کنند و آنها را کافر می دانند و این عجیب است و ما از خداوند متعال می خواهیم به جمهوری اسلامی ایران توفیق بدهد که همایش ها و دوره هایی علمی برای مسلمانان برگزار کند و از آنها حمایت کند تا افکار و اندیشه های صحیح اسلامی را در میان مسلمانان



پرسی و پاسخ

آیا قرآن زمان پیامبر با قرآن کنونی متفاوت است؟

همه علمای اسلام تدوین قرآن در غیر زمان رسول الله (ص) را نپذیرفته اند. عده ای از آنان به تدوین و جمع آوری در زمان رسول الله معتقدند و سه مرحله ای بودن و یا تدوین در زمان خلفا، را به طور کلی رد می کنند. (برای اطلاعات بیشتر به سایت حوزه نت مراجعه شود)

با این اوصاف بعد از رحلت پیامبر تفاوت‌هایی بین مصاحف پیش آمد و این تفاوت به اختلاف بین مردم انجامید. دامنه اختلاف به آن جا رسیده بود که حتی در مرکز خلافت یعنی مدینه، معلمان قرآن شاگردان خود را به صورت های مختلف تعلیم می دادند. بدین ترتیب، زمینه اقدام خلیفه سوم را برای یکی کردن مصاحف به وجود آمد. او گروهی متشکل از چهار نفر به نام های زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن حارث بن هشام را مامور این کار کرد. آنان با همکاری هشت نفر دیگر ابتدا مصاحف را از اطراف و اکناف کشور اسلامی جمع آوری کردند و قرآن را که به نام مصحف امام یا عثمانی مشهور شد، از بین آن ها فراهم آوردند. همه مصاحف دیگر به دستور عثمان، خلیفه سوم، سوزانده یا در آب جوش انداخته شد. مصاحف عثمانی به قولی به تعداد چهار عدد استنساخ شد و هر کدام از آن ها همراه فردی آگاه به مراکز مهم اسلامی آن زمان ارسال گردید تا همگان طبق آن نسخه ها به تکثیر و تعلیم قرآن اقدام کنند.

امامان (ع) قرآن موجود را تایید و تلاوت آن را سفارش کردند. علامه طباطبائی در این باره می گوید: «حضرت علی (ع) با این که خودش پیش از آن قرآن مجید را به ترتیب نزول جمع آوری کرده و به جماعت نشان داده و مورد پذیرش واقع نشده بود و در هیچ یک از جمعهای قران او را شرکت نداده بودند، با این حال هیچ گونه مخالفتی و مقاومتی از خود نشان نداد و مصحف دایر را پذیرفت و تا زنده بود حتی در زمان خلافت خود از مخالفت دم نزد. همچنین ائمه و اهل بیت (ع) که جانشینان و فرزندان آن حضرتند، هرگز در اعتبار قرآن مجید، حتی به خواص خود، حرفی نزنده اند بلکه پیوسته در بیانات خود استناد به آن جسته و شیعیان خود را امر کرده اند که از قرائات مردم پیروی کنند.»

قرآن کلام الهی است که در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و ترتیب نزول آیات قرآن به نحوی که الان به چشم می خورد نبوده است، چنان که نخستین آیات نازل شده «اقرا باسم ربک الذی خلق» بوده است نه سوره حمد. سوال اینجاست که برخی از می پرسند آیا این قرآن همانی است که زمان پیامبر نازل شده است؟ در پاسخ باید گفت:

۱. قرآنی که امروزه در دست ما مسلمانان است، همان قرآنی است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده و با تواتر به ما رسیده است و این مورد اتفاق علمای اسلام است. به تعبیر دانشمند بزرگ معاصر، شهید مطهری، قرآن کتاب منحصر به فردی است که قرن‌ها بر آن گذشته بدون آنکه تحریفی در آن راه یافته باشد. در مورد قرآن کریم مسائلی از این قبیل که انتساب فلان سوره بدان مشکوک است یا فلان آیه در فلان نسخه هست و در فلان نسخه نیست، وجود ندارد. قرآن کریم بر نسخه و نسخه شناسی پیشی گرفته است. جای کوچکترین تردیدی نیست که آورنده همه این آیات موجود حضرت محمدین عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم است و هیچ کسی نمی تواند ادعا کند یا احتمال بدهد که نسخه دیگری از قرآن کریم وجود داشته یا دارد. هیچ مستشرقی هم پیدا نشده که بخواهد قرآن شناسی را از اینجا شروع کند (آشنایی با قرآن ۱/ ۱۳ و ۱۲). سر این مطلب آن است که تمام آیات قرآن کریم به تواتر نقل شده است. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از همان اوائل نزول تدریجی قرآن کریم، فرمان کتابت آن را صادر کرد و برای این منظور افرادی را به نام «کتاب وحی» برگزید و خود آن حضرت بر اصل کتابت، نحوه نگارش و مواضع آیات در سوره ها نظارت داشت. ۳. کتابت قرآن کریم در نسخه های متعددی صورت می پذیرفت و در اختیار تازه مسلمانان قرار می گرفت و از این رهگذر مشرکان و کفار نیز از قرآن کریم و محتوای آن اطلاع می یافتند و به اسلام گرایش پیدا می کردند. اما در مورد جمع آوری قرآن و تدوین قرآن میان محققان علوم قرآنی سه دیدگاه به چشم می خورد: دیدگاه اول: تدوین قرآن به بعد از رحلت رسول الله (ص) بر می گردد. دیدگاه دوم: تدوین قرآن به همین صورت فعلی (ترتیب آیه ها و سوره ها) در عهد رسول الله (ص) انجام گرفته است. دیدگاه سوم: معتقد است که برای قرآن سه مرحله جمع آوری شکل گرفته است: مرحله اول: نظم و چینش آیه ها در کنار یکدیگر که شکل گیری را در پی دارد. این کار در زمان پیامبر (ص) صورت گرفت. مرحله دوم: جمع کردن مصحف های پراکنده در یک جا و تهیه جلد برای آن ها که در زمان ابوبکر انجام شد. مرحله سوم: جمع آوری تمام قرآن های نویسندگان وحی برای نگارش یک قرآن به عنوان الگو و ایجاد وحدت قرائت در آن. این مرحله در زمان عثمان صورت گرفت. طرفداران دیدگان سوم برای مدعای خود ادله ای ذکر کرده اند که در کتاب مربوط به علوم قرآنی به تفصیل آمده است. به هر حال، آن چه گذشت نشان می دهد

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه نامه: زهره قدیمی

